

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحه: ۳۳-۵۰

ارائه الگوی کالبدی مسکن امروز با بهره‌گیری از کیفیات مطلوب خانه‌های تاریخی (نمونه موردی: شهر کرمان)^۱

امجد بهره‌دار*^۲؛ رامین مدنی^۳؛ محسن افشاری^۴

چکیده: گسترش مطالعات در عصر جدید موجب شکل‌گیری مباحث گسترده‌ای در مبانی و اصول نظری معماری مسکن همچون موضوعات روان‌شناختی، فرهنگی و پدیدارشناسی شده و به این نکته تأکید دارد که خانه والاتر از یک سرپناه و سکونت مفهومی فراتر از تأمین نیازهای کالبدی و عملکردی دارد. نگاه مفهومی به خانه، معماری مسکن حاضر را به کیفیاتی در خانه متوجه می‌کند که علاوه بر پاسخگویی به نیازهای عملکردی خود، در پی حل نمودن نیازهای برتر ساکنین می‌باشند. با آغاز دوران معاصر این کیفیات و مفاهیم در معماری مسکن ایران کمتر و کم‌رنگ شدند همچنین سرعت و تغییر سریع دوران نیز اجازه به وقوع پیوستن این کیفیات را در بناهای معماری ایرانی کم کرد. در این تحقیق هدف اصلی، دستیابی به الگوهای کالبدی - فضایی مسکن امروز با بهره‌گیری از کیفیات مطلوب خانه‌های تاریخی کرمان و هدف فرعی، دستیابی به فرایند چگونگی استخراج و کاربرد الگوهای فضایی - کالبدی به دست آمده می‌باشد. این پژوهش با بررسی خانه‌های تاریخی کرمان و با نگاهی کالبدی و پدیدارشناسانه در معماری آن‌ها، به استخراج کیفیات مطلوب پرداخته است. این پژوهش از موضع هدف کاربردی، با روش کیفی و از طریق مشاهده، حضور میدانی در بافت تاریخی و امروزی، مطالعات میدانی (مشاهده و حضور در بافت تاریخی) و کتابخانه‌ای به گردآوری داده‌ها پرداخته است. روش تجزیه و تحلیل به صورت تطبیقی و با استدلال منطقی می‌باشد. در نتیجه کیفیات مطلوب به دست آمده شامل گشودگی، انعطاف‌پذیری، کم‌رنگی، سکوت، ایستایی، باز، زنده، مستور، تهی، زمینه‌ای و یکپارچه می‌باشند. این کیفیات به همراه مؤلفه‌هایی کالبدی از خانه‌های تاریخی همچون فن ساخت، مصالح و بافت، رنگ، تناسب و مقیاس، هندسه، سازمان‌دهی فضایی و نحوه چیدمان داخلی فضا، فضای سبز در جدولی ارائه شده‌اند؛ در پایان این کیفیات به همراه مؤلفه‌های کالبدی در ترکیب متوازنی از نور، بافت و صدا، تناسب، تلفیق با محیط طبیعی، آسمان و زمین انتخاب شده‌اند و در قالب شش الگوی کالبدی مسکن که با بهره‌گیری از کیفیات مطلوب حاصل شده از مطالعات (معنایی و کالبدی) خانه‌های تاریخی انجام گرفته‌اند؛ طرح و امروزی سازی شده‌اند.

واژگان کلیدی: الگوی کالبدی، مسکن، کیفیات مطلوب، خانه‌های تاریخی کرمان

^۱ این مقاله برگرفته شده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول به راهنمایی نویسنده دوم و نویسنده سوم در دانشگاه هنر اصفهان با عنوان «طراحی الگوی کالبدی مسکن کرمان در تداوم با کیفیات مطلوب در خانه‌های تاریخی کرمان» می‌باشد.

^۲ *دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران؛ نویسنده مسئول:

Amjadbahredar74@gmail.com

^۳ دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

^۴ استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

۱- مقدمه

بتوان چیزی اساس کرد و با انسان‌های دیگر به اشتراک گذاشت (زومتور، ۱۳۹۴، ۲۳)؛ و این قبیل ارزش‌ها و کیفیات را می‌توان در معماری گذشته پیدا کرد و در معماری امروز، به‌طور متناسب به کاربرد. این تحقیق به دنبال کشف این کیفیات در خانه‌های تاریخی و ارائه الگوی کالبد امروزی مسکن در تداوم با همان کیفیات است.

۲- پیشینه و مبانی نظری تحقیق

۲-۱- تعاریف مسکن و سکونت

مسکن در لغت به معنای مکان آرامش و سکون و به بیانی اقامت گزیدن و منزل کردن معنا می‌شود (براتی، ۱۳۸۲، ۱۱). سکونت نتیجه تأثیر عوامل زیادی نظیر اقلیم، مصالح، موقعیت زمین، فناوری ساخت، عوامل اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و نظامی است. سکونت، تعامل انسان با محیط (سه عرصه خصوصی، میانه و عمومی) می‌باشد. مسکن به‌عنوان ظرف سکونت و خانه به‌عنوان جنبه خصوصی سکونت تعریف می‌شود (مدنی و شفایی، ۱۳۹۲، ۱۵۴). مطالعات و نظرات اندیشمندان و معماران در ارتباط با مباحث مسکن و سکونت خصوصی (همان مفهوم خانه) مسیر پژوهش را به ابعاد برتری از این حوزه‌ها رهنمون ساخته و هریک از این اندیشمندان به با بررسی شیوه‌ای معنایی، جامعه‌شناختی و یا فرهنگی، به این نکته تأکید می‌کنند که مفاهیم یادشده تنها جنبه فیزیکی و کالبدی نبوده و نظرات خاص‌تر و عمیق‌تری را می‌طلبد؛ در ادامه، معرفی وجوه مختلف در حوزه خانه می‌تواند یاری بخش پژوهشگران این حوزه با بینشی جامع‌تر نسبت به موضوع با توجه به نقش ارتباطی و مفهومی آن با بحث الگو در این پژوهش باشد.

همچنین تأثیر آموزه‌های دینی نیز بر ساختار مسکن ایرانی قابل بررسی و تأمل می‌باشد و در آثار اندیشمندانی مورد پژوهش قرار گرفته است (امین پور، مدنی، حیاتی، ۱۳۹۴، ۴۹). در جدل‌های شماره ۱ و ۲ نظر چند اندیشمند در ارتباط با سکونت و خانه بررسی می‌شود.

از نیمه قرن بیستم مطالعات وسیع و جامعی در حوزه‌های مختلف علمی در ارتباط با مفاهیم و لایه‌های عمیق‌تر موضوع مسکن شکل می‌گیرد که این مباحث در شاخه‌های علمی نظیر روان‌شناختی، پدیدار شناختی و فرهنگی این نکته را فهم می‌کنند که مسکن امروز را فراتر از جنبه‌های سرپناهی و سکونت را مهم‌تر از نیازی کالبدی و عملکردی بدانیم (معمار، ۱۳۸۵، ۴). انسانی که سکونت گزیده، نشانه‌ای بارز از وجود خود را شکل داده است (هایدگر و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۳۱). او بیان می‌کند سکونت ورزیدن، گردآوری چهارعنصر آسمان، زمین، انسان و خدایان (جنبه‌های مادی و معنوی) می‌باشد (هایدگر و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۳۱). از نظرگاهی دیگر سکونت کردن انسان بدین معناست که خانه‌ای را مالک شده که در آن قلب او به شکوفایی می‌رسد و روحیه اندیشه ورزی در او زنده و پایا می‌گردد (شولتز، ۱۳۹۶، ۱۶). در کتاب «بوطیقای فضا» نیز با نظرگاهی یکسان با دیدی شاعرانه به پدیدارشناسی موضوع سکونت و خانه و جایگاه آن در رؤیا و خیال بشر پرداخته می‌شود (هاشمی، ۱۳۷۵، ۱۱).

نگاه معنا شناسانه در مطالعات مربوط به خانه، معماری مسکن امروز را نسبت به کیفیاتی در آن متوجه می‌سازد که این کیفیات علاوه بر پاسخ دادن به نیازهای عملکردی خود در کالبد و فضای خانه، به دنبال حل مسئله نیازهای برتر ساکنین نیز می‌باشد. کیفیات موردبررسی با ذات و انسان و فطرتش همراه‌اند و به رابطه بین انسان با خود و عالم علوی مربوط می‌شوند (اخوت، بمانیان، انصاری، ۱۳۹۰، ۹۸).

این مباحث کیفی به جوهره‌ها و خصوصیات اشتراکی بین انسانی (ماهیت الگو) اشاره دارند. با ورود به عصر جدید، جایگاه این کیفیات در معماری مسکن کم‌رنگ شد و سرعت و تغییر سریع عصر جدید اجازه احراز آن‌ها را در خانه‌های معاصر کم کرد؛ به بیان دقیق‌تر پیتر زومتور^۱ عصر ما عصر تغییر و گذار است و امکان جهش‌های بزرگ را نمی‌دهد و تنها بعضی ارزش‌های مشترک اندک، هنوز باقی مانده‌اند که

³ Peter Zumthor

¹ Martin Heidegger

² Christian Norberg-Schulz

منبع	اندیشمند	دیدگاه نسبت به خانه
		تکیه‌گاهی مشخص به پشتیبانی ما می‌نشیند.
(هاشمی، ۱۳۷۰، ۱۱)	مور ^۵	برای مالکان خانه، خود مرکز هستی و برای ساکنان آن در محله‌اش خاصه‌ترین بنا در تحکیم مکان
(الکساندر، ۱۳۸۱، ۱۴۰)	گاستون بچلار ^۶	بشر قبل از انداخته شدن در جهان به گهواره خانه گذارده می‌شود

۲-۲-۲ الگو

معنای عمومی و عامیانه الگو برابر و مترادف کلماتی مثل «نمونه»، «سرمشق» و «مدل» است.

الگو اصولی مولد و خلاقانه می‌باشند که اجزای هر ترکیب و اثر را نظم می‌دهند و ترکیب و تکمیل می‌کند. (الکساندر، ۱۳۸۱، ۳۵۳). الگوها دریافتهایی تجریدی هستند که از مفاهیم و ادراکات اشتراکی بین انسان‌های ساکن در محیط کالبدی برگرفته شده‌اند و به وسیله نمادها، نشانه‌ها، نیازها و هنجارها، در فضا و محیط حضور می‌یابند. این الگوها دشواری‌ها و پیچیدگی‌ها را در محیط، قابل درک کرده و فضای قابل لمس را برای بشر موجب می‌شوند (حیبی، ۱۳۸۲، ۳۲). هر الگو مسائلی را که بارها و بارها در محیط حادث می‌شوند را بازگو و تفصیل می‌کند و سپس راه‌های اساسی حل این مشکل را بیان می‌کند و امکان دارد برای چندین بار این راه‌حل‌ها را به کاربرد بدون آنکه هیچ‌گونه شباهتی بین کارتان و کار دیگران باشد. هر الگویی دارای این قابلیت است که یک فرضیه باشد همچون فرضیه‌های علمی دیگر (ابراهیم‌زاده و قاسمی قاسم‌وند، ۱۳۹۶، ۲۳).

هنگامی که الگو در قیاس با زبان به میان آورده شود؛ با استفاده از زبان الگو، بنا و اثر معماری هم چون جمله در هنگام سخنوری، خود را می‌سازد (الکساندر، ۱۳۸۱، ۳۵۳). زبان الگو به استفاده‌کنندگان ارز آن این قدرت را می‌دهد که هر چند بنای تازه و بی‌همتا بسازند؛ دقیقاً به همان صورت که

جدول ۱. دیدگاه اندیشمندان نسبت به سکونت

منبع	اندیشمند	دیدگاه نسبت به سکونت
(هایدگرو، دیگران، ۱۳۹۳، ۱۳۲)	هایدگر	مکان چیزی بیشتر از یک مجموعه منفرد از عناصر (عناصر آسمان، زمین، انسان و خدایان)
(راپاپورت، ۱۳۹۲، ۱۴ و ۱۵)	راپاپورت ^۱	نهادی با عملکرد چندبعدی
(کوپر، ۱۳۸۲، ۴۷)	کوپر ^۲	خانه بازتابی از خود
(هایدگر و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۳۱)	شولتز	سکونت کردن نشانه بارز وجود

جدول ۲. دیدگاه اندیشمندان نسبت به خانه

منبع	اندیشمند	دیدگاه نسبت به خانه
(گیفورد، ۱۳۷۸، ۷۲-۷۵)	گیفورد ^۳	خانه یا (کاشانه) در زندگی ما، یکی از ارزش‌ترین مکان‌هاست. شش ویژگی شاخص کاشانه شامل: پناهگاه، هویت، نظم، همبستگی و جنبه‌های معنوی، محافظت از گرما و مناسب بودن ابعاد فیزیکی آن. امکان دارد که برای سکونت کردن، مکانی داشت ولی درعین حال فاقد مکان کاشانه بود
(الکساندر، ۱۳۸۱، ۱۴۰)	الکساندر ^۴	آشنایی با جهان در خانه است که بی‌واسطه صورت می‌پذیرد؛ آنجا نیازی به انتخاب راه و جست‌وجوی هدف و نتیجه نیست؛ هستی در خانه و پیرامون آن به‌سادگی ارزانی گشته شده؛ به بیانی، خانه جایی است که اتفاقات زندگی روزمره را در خود جا داده. زندگی روزمره نشان‌دهنده چیزی است که تداوم خود را در دنیای ما حفظ کرده و از این‌رو نظیر

^۵Charles Moore

^۶Gaston Bachelard

^۱ Amos Rapoport

^۲ Clare Cooper Marcus

^۳ Robert Gifford

^۴ Christopher Alexander

دارای وجه معنایی). ۴- مفهوم الگوپذیری نیازمند طی شدن در بستری تاریخی (هاشمی، ۱۳۸۹، ۳۳).

مبحث دیگری که در مورد با «الگو» مدنظر است که تشریح شود این است که پیوستگی دائم و منظم و جابجایی الگوها در گستره گذشت تاریخ و عمل و به کارگیری آن‌ها، تکراری صرف، شبیه‌گونه، تقلیدوار، محدودکننده و سدی در برابر سیر خلاقیت و نوآوری نیستند.

۲-۳- معماری خانه از گذشته تا معاصر

لازمه فهم و شناخت معماری مسکن معاصر، شناخت بستر تاریخی آن می‌باشد. از این نظر که بتوانیم باریشه‌های تغییر و شکل‌گیری امروزی آن‌ها آشنا شویم و در ارائه راهکارها، نتایج و صحبت‌های پیرامون موضوع، به دوره‌ای از تداوم و ثبات در تاریخ و گذشته آن رسید؛ آنگاه بتوان از آن در به کارگیری الگوها و راه‌حل‌های منتج، بهره برد. مطالعه و شناخت معماری خانه‌های تاریخی و خصوصیات کالبدی در آن‌ها که به دلیل وجود الگوهای رفتاری خانواده (الگوهای فرهنگی اجتماعی و دینی و مذهبی) در ساختار سکونتی آن بوده؛ موجب شکل‌یابی الگوهای کالبدی فضایی و سازمان‌دهی آن‌ها در محیط خانه تاریخی می‌شده است؛ اما در دوران معاصر که سبک سکونت و الگوهای رفتاری ساکنین (الگوهای فرهنگی اجتماعی و دینی و مذهبی) تغییر پیدا می‌کند؛ میان معماری تاریخی و معماری معاصر مسکن گسست ایجاد می‌شود (حائری، ۱۳۷۵، ۲۱). خانه‌های تاریخی در مفاهیم خود دارای تعریف الگوپذیری بوده چراکه اولاً در طول سیر زمان به صورت تاریخی ایجاد شده‌اند و از سویی دیگر به مفاهیم مشترک میان انسانی توجه داشته‌اند. مسئله دیگر در خانه‌های تاریخی پرداختن به نقش خانواده با رعایت قواعدی همچون سلسله‌مراتب، حریم، اهمیت میهمان، تنوع در عرصه خصوصی می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۵، ۳۵). در (جدول شماره ۳) برخی ویژگی‌های مسکن تاریخی نسبت به معاصر عنوان شده است. درگیر شدن اندیشه‌های بیگانه با معماری وطنی در ابتدا به شکل و نمای ظاهری بنا ورود پیدا می‌کند. پس از مدتی با تغییر یافتن شیوه زندگی، مفهوم و مصداق «خانه» و «سکونت» جای خود را به «واحد مسکونی»

زبان معمولی به او امکان می‌دهد که بی‌نهایت جمله متفاوت بسازد، ایجاد مصداق و نمونه‌های فراوان در عین حفظ درون‌مایه‌ها و جوهره‌ها (الکساندر، ۱۳۸۱، ۱۴۵).

۲-۲-۱- الگوها و شکل‌گیری آن‌ها در جوامع سنتی و مدرن

آن زمان که تغییرات کم و به مرور ایجاد می‌شد، تمامی اشیاء و احجام، فرم تعریف شده و یکسانی داشتند و در حل مسائل، وحدت پاسخ، وجود داشت؛ در کنار این تغییرات، سنت نیز به صورت معقول و متناسب وجود داشت؛ اما در عصر جدید که سرعت بالای تغییرات، موجب امکانات وسیع و گوناگون گشت، طیف‌های گسترده غیر مرتبط و ناهمگون در همه چیز و همه‌جا حضور پیدا کرد و در پاسخ به حل مسائل دچار کثرت شدیم (یزدان‌پناه، ۱۳۷۸، ۱۴۸).

در ارتباط با فرایند شکل‌گیری الگوها در جوامع سنتی و مدرن، به عنوان خلاصه و جانمایه می‌توان این چنین بیان نمود؛ که در عملکرد یا سیر سنتی یا به تعبیری دیگر فرایند ناخودآگاه، همان‌طور که از نام آن پیدا است، این فرآیند به شکل خودانگیخته و در مسیر و حرکتی طبیعی و غیر اختیاری رخ می‌دهد؛ اما در تقابل و رودررویی با آن، دیدگاه مدرن یا به تعبیری دیگر، جریانی ارادی و خودآگاهانه؛ همان‌طور که از نام آن پیدا است این فرآیند و جریان به شکلی خودآگاهانه و تحت اختیار رخ می‌دهد (الکساندر، ۱۳۸۴، ۴۵). یک فرایند و جریان را «ناخودآگاه» نام می‌دهیم، هرگاه که ساخت فرم در آن به طریقی غیررسمی، از شیوه تقلید و اصلاح، یاد و ادامه داده شود و فرایندی را «خودآگاه» نام می‌نهمیم اگر ساخت فرم در آن به صورت آکادمیک و تنوری محور، بر پایه قواعد روشنی، آموزش داده شود (یکه، ۱۳۹۷، ۶۲). نکاتی که در ارتباط با الگو حائز اهمیت است: ۱- الگوها را نمی‌توان به صورت اتفاقی به وجود آورد، بلکه آن‌ها به شکلی خودبه‌خود ایجاد می‌شوند (خود شکل‌یابنده‌اند) طی گذشت زمان و فرآیندی پیوسته و ممتد از دائماً ساییده شدن‌ها و تکامل یافتن‌ها. ۲- الگوها برگرفته شده از نقاط مشترک و تفاهم‌های انسانی یک جامعه با قابلیت نظم‌بخشی و ترکیب عناصر. ۳- الگوها همخوان با فطریات و ذاتیات بشر هستند

است). از این رو زمانی که ما از معماری تاریخی و گذشته صحبت به میان می‌آوریم این سخن وسیله ایست که ما را به مطلوبات اندرون خود، در رابطه با وجود انسان نزدیک می‌کند و انسان و هر آن چه را که در ارتباط با او کمک کننده است را مورد نظر و بررسی قرار می‌دهد.

۲-۴- جستاری پدیدارشناسانه در شهر قدیم کرمان

تا اینجا به این موارد توجه شد که مسکن و خانه مفهومی فراتر از یک صورت کالبدی و مادی بوده و خانه برای شدن بایستی دارای معانی و مفاهیمی مربوط به وجود انسان باشد. در ادامه با طرح شدن مفهوم الگو توجه به این مبحث که الگوها تقلید کاملاً صرف نبوده و برای قابلیت منطبق شدن بایستی آن‌ها نیز در خود معانی و جوهره‌هایی که در بین انسان‌ها مشترک هستند داشته باشند؛ مورد پژوهش قرار گرفت.

هم‌اکنون با توجه به این تعاریف و مفاهیم که همه اشتراک بر درک معنا و بنیان‌های بشری دارند؛ برای ارتباط با حوزه معماری خانه، نیازمند به ورود در حوزه پدیدارشناسی می‌گردیم.

دانش پدیدارشناسی نیز در پی یافتن ارتباط معنایی و مفهومی میان پدیده‌ها در عالم است (حقیقی، ۱۳۸۷، ۱۰۵). در محدوده مطالعات این تحقیق به ارتباط میان پدیده انسان با پدیده‌ها در طبیعت (پدیده زمین و آسمان) و امور مقدس توجه ویژه می‌شود (شکل شماره ۱). برای بیان و نحوه بیان این ارتباط معنایی و مفهومی بین پدیده‌ای، در قالبی فیزیکی و کالبدی، خانه ظرف آن را در برمی‌گیرد. شکل‌گیری این ارتباطات معنایی منجر به ایجاد همان کیفیات مطلوبی می‌شوند که زمانی در خانه‌های تاریخی به صورت فیزیکی و کالبدی جلوه گرفته بودند و این پژوهش در نظر دارد این کیفیات را مطرح کند و برای آن‌ها ارائه کالبد امروزی دهد.

و «اسکان» واگذار کردند. تغییر یافتن شیوه زندگی تقریباً همه جنبه‌های آیینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فنی و اداری و متعاقباً خوراکی، پوشاکی، مصرفی و آداب سکونت را نیز شامل می‌شود. در عصر حاضر، نسل‌های متأخر راه و روش، شیوه و منش جدیدی را در زندگی خصوصی و اجتماعی خود انتخاب کرده‌اند (حائری، ۱۳۷۵، ۲۲).

جدول ۳. مقایسه خانه‌های تاریخی نسبت با خانه‌های معاصر (حائری، ۱۳۷۵، ۲۵)

شماره	مسکن تاریخی نسبت مسکن معاصر
۱	خوانایی در فضا؛ شامل جهت‌یابی، جداسازی و تشخیص فضایی درون و بیرون
۲	امکان گسترش فضاها، انعطاف‌پذیری فضاها، تبدیل فضاها و اتصال آن‌ها
۳	تنوع فضایی و نقش فضا در تقویت معاشرت و روبرویی آن‌ها
۴	تلفیق همراه چندین عملکرد، قابلیت‌های انفرادی و اجتماعی اتاق‌ها.
۵	پرداختن به نور و تأمین روشنایی، زنده کردن فضا از طریق تجربه‌های نوری.
۶	مشارکت دیوار، سقف و کف در ایجاد کیفیت‌های متفاوت فضایی در هر اتاق
۷	تجربه و امکان زیستی در سطوح مختلف ارتفاعی
۸	بزرگ شدن فضا بدون برهم خوردن و به هم ریختن نظم فضاها، کوچک‌تر، بزرگ شدن با فضا، بزرگ شدن در فضا

در توضیح کامل‌تر معماری تاریخی بایست عنوان کرد که پرداخت ما در این حوزه به خود انسان است و مقصود در این راستا باید شناخت او و خصوصیات مرتبط با او در ابعاد مختلف زندگی فردی، جمعی و احساسی او باشد. مطالعه و شناخت گذشته از این مسیر است که حرکت می‌کند و باعث معنا بخشی در خود می‌شود. آگاهی که از گذشته در حوزه انسان‌شناختی مسکن حاصل می‌شود موجب فهم این نکته می‌گردد که پیشینیان حل مسائل زندگی انسان را مورد توجه قرار می‌دادند و هدف، توجه به انسان و شناخت او و مسائل مرتبط با او بود (آشنایی با گذشته، «هدف» نیست، «وسیله»

زرتشتیان می‌بینیم؛ و نیز سادگی که در خانه کلیمیان شهر وجود دارد (معماریان و همکاران، ۱۳۸۹، ۱-۲۵).

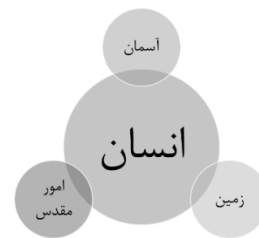
برخی الگوهای رفتاری که در خانه‌های تاریخی کرمان وجود داشته و آن‌ها نیز زمانی خود معرف کیفیات و اتفاقات مطلوبی در ساختار فضایی و زیستی خانه کرمانی بودند که حائز اهمیت می‌باشند. (شکل شماره ۲)



شکل ۲. اتفاقات مقطع در خانه امینیان

بررسی چندگونه از خانه‌های تاریخی کرمان می‌تواند ما را به شناختی کلی از ساخت و گونه مسکن تاریخی کرمان سوق داده و به کیفیاتی کالبدی در آن‌ها رهنمون می‌کند.

در (جدول شماره ۴) هشت خانه تاریخی در کرمان را از لحاظ ساختار و گونه کالبدی بررسی می‌کنیم.




شکل ۱. پدیدارشناسی، ارتباط معنایی میان پدیده انسان با طبیعت (زمین و آسمان) و امور مقدس

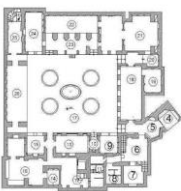
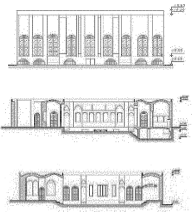

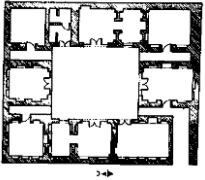


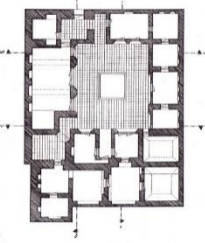
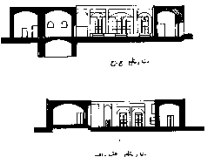

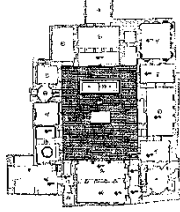


این کیفیات در ترکیب متوازن و متناسبی از نور و سایه، بافت و صدا، آسمان و زمین، در کالبد و فضای معماری خانه تاریخی جلوه یافته‌اند. در ادامه مدنظر است که این کیفیات در قالب الگوهایی که در آن الگوها، دیاگرام‌هایی نحوه ارتباط و ترکیب متوازن این عناصر را شرح می‌دهند، ارائه گردند.

۲-۴-۱- خانه‌های تاریخی کرمان

شناخت محلات و بافت مسکونی شهر کرمان در گذشته و همچنین آگاهی از ساختار و سازمان‌دهی کلی توده‌های فضا، در مقیاس‌های بزرگ شهری تا محله و در آخر واحد کوچک خانه، توجه ما را به نظم و ساختاری شکل یافته در این کل واحد جلب می‌کند؛ که این نظم و ترکیب بخشی، پیرو اصولی مشخص و منطقی تحت عنوان الگو بوده و می‌توان در چند مورد از خانه‌های تاریخی کرمان آن را مشاهده کرد. اساس این نظم و ترکیب بخشی در اندیشه‌های انسانی، عقاید و باورهای مشترک در بین اقوام و ادیان رایج در شهر قدیم کرمان واریسی می‌شود؛ هر یک از این الگوها، نقش تأثیرگذار و کلیدی خود را در ساختارهای کالبدی جزئی و کلی خانه تاریخی دارند و منجر به تشکیل کالبد-الگوهای در ساختار معماری خانه تاریخی کرمان می‌شوند. آنچه در شکل‌گیری فضاهای خانه‌های تاریخی کرمان تأثیرگذار بوده در زیر خلاصه می‌شود: عقاید و باورهایی که در میان مسلمانان محله شهر منجر به رعایت الگوی حریم، در میان محله زرتشتیان زریسف با توجه به اهمیت منبع نور، جهت‌گیری حیاط تحت تأثیر قرار گرفته و نیز طبق اصولی از کتاب مقدس اوستا تعداد دو تا سه حیاط را در خانه‌های

جدول ۴. بررسی هشت گونه خانه تاریخی کرمان

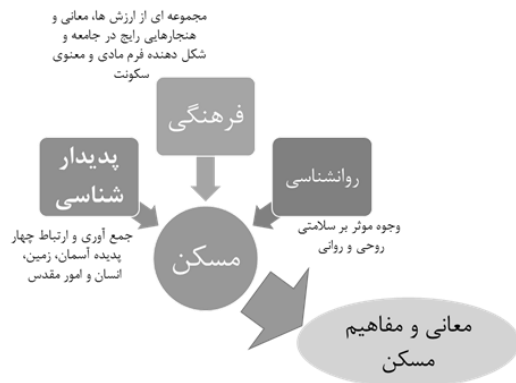
ردیف	نام	محل	دوره	گونه	پلان	نما - برش	عکس
۱	خانه سمندری	محل ناصریه	پهلوی	جبهه شمالی			
۲	خانه حسینی	زریرسف	پهلوی اول	دوطرفه شمال و شرق			
۳	خانه اشیدری	آشکده	اواخر قاجار	U شکل غربی			
۴	خانه جهانشاهی	محل خواجه خضر	قاجاریه	سه طرفه			

ردیف	نام	محل	دوره	گونه	پلان	نما - برش	عکس
۵	خانه فرخزاد	آشکده	پهلوی اول	چهار طرفه با تابستان نشین عریض			
۶	خانه ارجمند	محله خواجه خضر	پهلوی اول	چهار طرفه			
۷	خانه آیت‌الله صالحی	محلله بازار	پهلوی	چهار طرفه			
۸	خانه امینیان	شریعتی ۲۷	اواخر قاجاریه	چهار طرفه			

۲-۴-۲- بررسی کالبدی خانه‌های تاریخی کرمان

در مبحث قبل این موضوع مورد بررسی قرار گرفت که ساختار و شکلی منظم و کلی با توجه به الگوهایی معنایی در خانه‌های

تاریخی کرمان وجود داشته و بر اساس وجود هر اندیشه دینی، خصوصیات کالبدی در ساختار خانه‌های آنها ایجاد شده است. این گونه شناسی که با طرح یک گزارش از ساختارهای کلی و



شکل ۳. مفاهیم مسکن

بافهم معانی از مسیر شناخت عناصر پدیدارشناسی و ارتباطات معنایی آن‌ها در خانه و همچنین فهم بروز آن‌ها در قالب و کالبد معماری خانه تاریخی، وجوهی از معناها در کالبد معماری خانه‌های تاریخی شناسایی می‌گردد که با عنوان کالبد معنا در مسیر تحقیق طرح می‌گردند (جدول شماره ۵).

همسان در خانه‌های تاریخی کرمان انجام شده است منجر به شناخت این ساختارها شده و پژوهشگر را با تحلیل کالبدی مستندات در این طرح و گزارش به ارائه نتایج کلی از کیفیات کالبدی مطلوب در خانه‌های تاریخی کمک می‌کند.

۳- چهارچوب نظری و روش تحقیق

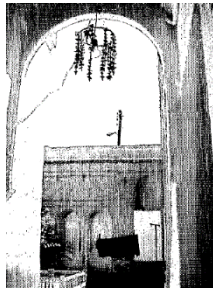
این تحقیق با دیدگاهی ساخت‌گرا به دنبال آن است که با بررسی خانه‌های تاریخی کرمان به‌عنوان یکی از شهرهای تاریخی ایران و دارای عناصر تاریخی و بناهای ارزشمند معماری و شهرسازی، به استخراج کیفیات مطلوب در آن‌ها پرداخته و در تداوم با آن کیفیات، برای مسکن حاضر ارائه الگو دهد. نحوه گردآوری اطلاعات، از بررسی کالبدی و معنایی خانه‌های تاریخی کرمان، می‌باشد. طرح تحقیق کالبدی-معنایی بوده و رویکرد تحقیق، کیفی می‌باشد. تحلیل یافته‌ها به‌صورت جهت‌دار انجام گرفته است. قابلیت اعتبار تحقیق نیز در توجه معنایی به داده‌ها و یافته‌های تحقیق و در نتیجه امکان تعمیم‌پذیری آن موردنظر است.

۴- بحث و یافته‌های تحقیق

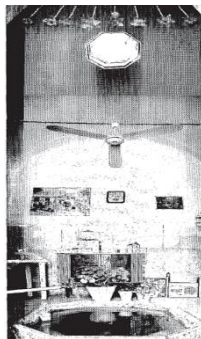
در خانه‌های تاریخی عناصری وجود داشته که با دارا بودن معانی‌ای در خود تقویت‌کننده ارتباطات مفهومی میان پدیده‌ها در حوزه سکونت خصوصی خانه بوده‌اند. این عناصر، معنایی را شکل می‌دهند که آشکارکننده این ارتباطات مفهومی می‌باشند (شکل شماره ۳). زمانی که آب، باد، نور، باران و دیگر عناصر طبیعت در ظرف معماری تجرید و خلاصه می‌گردند، معماری تبدیل به‌جایی می‌گردد که در آن انسان و طبیعت با یک احساس مثبت و پایدار روبه‌رو می‌شوند (حقیقی، ۱۳۸۷، ۱۰۸).

جدول ۵. وجوه کالبدی و معنایی زمین و آسمان در اندرون خانه تاریخی کرمان

عرصه رخداد	عنصر	وجوه کالبدی - معنایی	
		زمین	توجه به مرکز/ فرورفتن در نطفه و خاک/ پناه گرفتن در آن
اندرون	آسمان	پرورش دهندگی و نگه دارندگی	باغچه سبزی‌نگی
		توجه به فطرت انسان و مرکزیت او (آدمی از خاک)	خاک و فراورده خاکی نظیر آجر
		بی‌کرانگی کمال اوج تمرکز بر ساکن (انسان)	عناصر سقفی نورگیر عناصر کالبدی با کشیدگی رو به بالا



شکل ۵. دالان حیاط
خانه اعظمی کرمان



شکل ۶. حوض مرکزی
در خانه اعظمی

از این عرصه رخداد (اندرون) به بعد عناصر کیفی آسمان و زمین همواره در ریز جزئیات فضاهای خانه تکرار می‌شوند و ما را همواره متوجه فضای پیرامون مرکز و پدیده‌های اطراف انسان می‌کنند. این همراهی تأکیدی بر انسان و مرکزیت او در این جهان دارد (شکل‌های شماره ۵ و ۶).

در بررسی کالبدی و پدیدارشناسی خانه‌های تاریخی، کیفیاتی در عرصه‌های مختلف سکونتی (خصوصی، میانه، عمومی) تعریف شده و از لحاظ وجوه کالبدی و نیز مؤلفه‌های کالبدی که در حوزه معماری مسکن با آن‌ها می‌باشند تشریح می‌شوند و در جدولی مطابق (جدول شماره ۶) ارائه شده‌اند.

اتفاقات و رخداد‌های که در قلمرو رفتاری ما در ظرف خانه به وقوع می‌پیوندند؛ خانه را مبدل به مرکز فضای وجودی آدمی و افراد ساکن خود می‌کند. از این رو مرکزیت و تمرکز بر انسان همراه است با القای تعاریف محیطی، مشخص شدن بستر و به وجود آمدن حس مرکزیتی که جهانمندی آدمی را بروز می‌دهد. به این بیان که انسان جهانی دارد و آن جهان را مرکزی است؛ با در خانه جای گرفتن آدمی، او در مرکز این جهان واقع می‌گردد. خانه جایی می‌شود که انسان قادر است در آن تعبیر و تفاسیر فردی و خصوصی خود را ارائه کنند و هم‌زمان تنها مخاطب زندگی درون خانه خود باشند (حقیقی، ۱۳۸۷، ۸۵).

جدول ۶. کیفیات مطلوب در خانه‌های تاریخی کرمان با بررسی کالبدی و پدیدارشناسی

شماره	روش گردآوری	عرصه سکونت	کیفیت	وجه کالبدی	مؤلفه کالبدی	
۱	تحلیل کالبدی خانه‌های تاریخی کرمان	خصوصی	گشوده/ فراخ	پنجره- درها گشایش‌های بصری به طبیعت اندرونی خانه	فن ساخت/ نور	
۲			کم‌رنگ (تنوع رنگی کم)	سادگی در به‌کارگیری تزیینات و رنگ ساده و به‌دوراز پیچیدگی، عدم توجه به غیر و تمرکز به ساکن (انسان نقطه توجه، نه تزیینات)	مصالح و بافت/ رنگ	
۳			ساکت	خانه‌ها بدون آلودگی صوتی خارجی آزاردهنده و دارای فضاهای ساکت	صدا/ مصالح/ فن ساخت	
۴			آزاد/ انعطاف‌پذیر	طراحی توده‌های داخلی پلان با انعطاف و به‌دوراز محدودیت‌های صرف عملکردی توجه به سلايق مختلف ساکنین	هندسه/ تناسبات و مقیاس/ سازمان‌دهی فضایی و چیدمان داخلی فضا	
۵		افقی	خانه‌ها با ارتفاع یک تا دوطبقه، نزدیک به مقیاس انسانی ساکن خانه از زمین و مقیاس آدمی فراتر نرود/ ارتباط انسان با پدیده زمین			
۶		میان‌ه/ خصوصی	واشد/ باز	محوطه خالی در طراحی خانه توجه به کودک و فضای بازی/ فضای باز		فن ساخت/ فضای سبز و تلفیق محیط طبیعی داخل و خارج
۷			جر/ فرورفته	فرورفتن بنا در زمین/ درگیر شدن توده‌های فضا در مقطع عمود با زمین ارتباط آدمی با زمین همراه با دلایل اقلیمی و روانشناسی (بکر و آرام)		
۸			زنده/ پرورنده	طراحی باغچه/ فخر و مدین/ مشبک‌کاری پرورش گیاهان و درخت در خانه، حضور نور و پرندگان (حضور، صدا، لانه‌سازی)		نور/ رنگ/ صدا
۹			یکپارچه	وحدت در ساختار کل طراحی خانه، محله، شهر انسان جزئی از یک جامعه		فن ساخت
۱۰			زمینه‌ای	استفاده از مصالح و تکنولوژی مخصوص به زمان و مکان ساخت بنا		مصالح و بافت

شماره	روش گردآوری	عرصه سکونت	کیفیت	وجه کالبدی	مؤلفه کالبدی	
	عرصه سکونت	حوزه رخداد	کیفیت	وجه کالبدی و معنایی		
۱۱	تحلیل پدیدارشناسانه خانه‌های تاریخی کرمان	عقب نشین	ایستا/ ساکن	فرورفته در جداره زمین خانه و دعوت‌کنندگی به فضایی ساکن و گوشه	هندسه	
۱۲			مستور	نقطه آغازین شروع فرایند تفکر به ساکن و انسان		
۱۳		میانه	آستانه	بین کوچه و خانه	ارتباط برون و درون فضای سکونت انسان	فن ساخت/
۱۴			خالی‌گاه	فیلترینگ و کنترل ساکن (انسان)	نقطه شروع توجه به ساکن (انسان)	فضای سبز و تلفیق محیط طبیعی داخل و خارج/ نور / رنگ/ صدا
۱۵			آشکار/ عیان	استفاده از نور، آسمان و زمین، منحصر به ساکن خانه	آشکارگی ارتباط انسان با پدیده زمین و آسمان	
۱۶			متصل			
۱۷				رها کننده	محوطه‌هایی بدون عملکرد و باز با آزادی‌های فیزیکی و روانی	رهایی انسان از محدودیت‌های بیرون با قرار گرفتن در فضای نیمه‌باز یا مرتبط با فضای نیمه‌باز در خانه
۱۸		خصوصی	اندرون	متمركز	ساختار فرمی فضاهای داخلی و مبلمان به صورت مركزگرا	هندسه/ سازمان‌دهی فضایی و چیدمان داخلی فضا
۱۹				تجربیدی	یادآوری کوچکی از طبیعت پیرامون (گیاه، نور، آسمان) در درون خانه	فضای سبز و تلفیق محیط طبیعی داخل و خارج/ نور/ رنگ/ صدا
					جهانمندی انسان	

دارد نائل شده‌ایم. در واقع خانه ما را مرکزیت بخشید و در مرکز جهان قرار داد.

اکنون در جای‌جای خانه با تصویری از ارتباط پدیده انسان با زمین و آسمان روبرو می‌شویم. محیط پدیده‌ها برایمان تفسیر و معنا شده است و ما به شناختی از محیط که بر ما تمرکز

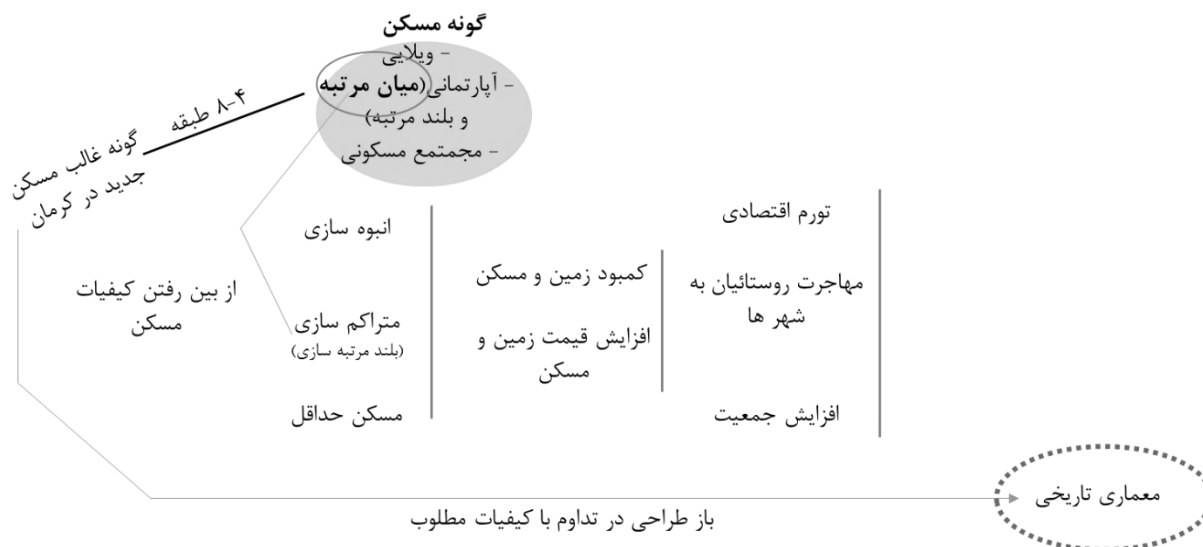
آن‌ها امکان پاسخگویی و تعمیم‌پذیری به مخاطبان خود در گستره‌های زمانی و محیط‌های دیگر را داشته باشند و از آنجایی که در وضعیتی وسط و بینابینی قرار می‌گیرند قادرند تعادل ایجاد نمایند (شکل شماره ۷).

در حال حاضر آنچه در رابطه با ساخت‌وسازهای جدید در حوزه مسکن در حال اجراست، آپارتمان‌هایی مسکونی که ارتفاعشان از سه تا پنج و نهایتاً هشت طبقه است؛ بخش بزرگی از ساختمان‌سازی مسکونی را شامل می‌شوند؛ و در رتبه دوم ساخت‌وسازهای مسکونی، خانه‌های ویلایی جای می‌گیرند و این نتایج بر این نکته نظر دارد که آپارتمان‌های میان مرتبه قابلیت تطبیق و تعمیم بیشتری در شرایط زمانی کنونی را دارند.

در اینجا انسان ساکن، به شناخت و فهم از جایگاه خود در جهان پی می‌برد و به مکان خویش در جهان می‌رسد. چراکه در اینجا (خانه) آسمان و زمین پیرامون، معنای خصوصی به خود می‌گیرد، آسمان و زمین متعلق به انسان ساکن در خانه می‌شود؛ و با جای‌گیری این عناصر در توده فضاهای خانه، به آن‌ها خاصیت خصوصی شدن به ساکن و توجه به انسان را می‌دهند.

۴-۱- گونه مسکن قابل تعمیم

از میان گونه‌های ساختمانی مسکن، ویلایی، آپارتمان‌های کوتاه، میان مرتبه، بلندمرتبه و یا برج‌ها، خانه‌های دارای یک تا دوطبقه با کارکرد ویلایی و آپارتمان‌های بلندمرتبه به علت موضوعات اقتصادی و هزینه‌ها هرکدام مخاطب ویژه به خود را دارند؛ اما چیزی که درباره میان مرتبه‌ها درست است، اینکه



شکل ۷. انتخاب گونه مسکن غالب با توجه به وضعیت اجتماعی و اقتصادی ساخت‌وساز

از این رو برای گونه مسکن آپارتمانی (میان مرتبه) با توجه به کیفیات ارائه شده در (جدول شماره ۶)، الگوهایی کالبدی که در عرصه‌های مختلف سکونتی تعریف می‌شوند و به همراه مؤلفه کالبدی همراه با آن‌ها در محیط ارائه می‌گردند. (جدول

شماره ۷)

جدول ۷. الگوی کالبدی پیشنهادی برای آپارتمان‌های میان مرتبه امروز در تداوم با کیفیات مطلوب

شماره	الگوی کالبدی پیشنهادی	عرصه سکونتی	کیفیات	مؤلفه‌های کالبدی
۱	فضاهای نیمه‌باز در طبقات	نیمه عمومی	مستور (از دید نامطلوب خارجی)	نور و رنگ / تکنیک ساخت
		میانه	خالی (فضای تهی برای تعاملات و مشاعات و دسترسی‌ها)	
		خصوصی	متصل (ارتباط آدمی با انسان و آسمان)	
۲	تراس‌های مشترک همسایگی	میانه	متصل (ارتباط با آسمان)	نور، رنگ و صدا / تکنیک ساخت / مصالح و بافت
			عیان (ارتباط با آدمی و محیط بیرونی)	
			گشوده (ارتباط با محیط بیرون)	
۳	تراس‌های خصوصی	خصوصی	رها کننده (محیط برای آزادی فکر و جسم در محیطی مطلوب)	نور / رنگ / صدا / مصالح و بافت
			باز (ایجاد محیطی باز در عرصه خصوصی)	
			گشوده (گشودگی رو به محیط طبیعی بیرون و آسمان)	
۴	گلخانه	خصوصی	تجربیدی (طبیعتی کوچک در خانه)	فضای سبز و تلفیق محیط طبیعی بیرون و خارج
			پرورنده / زنده (کاشت گیاه و حضور پرنده)	
۵	بام	میانه	گشوده	فضای سبز و تلفیق محیط طبیعی با عرصه میانه
			باز	
			زنده	
۶	طراحی داخلی خانه	خصوصی	گشوده	سازمان‌دهی فضایی و چیدمان داخلی فضا / فضای سبز و تلفیق محیط طبیعی داخل و خارج / نور / رنگ / صدا / مصالح
			آزاد / منعطف در چیدمان و طراحی داخلی	
			کم‌رنگ	
			رها کننده (سکوت در خانه)	
			متمرکز	
پرورنده (پرورش گل و گیاه)				

۵- نتیجه‌گیری

در این تحقیق شش الگوی کالبدی پیشنهادی که منتج از سیر پدیدارشناسی و کالبدی (کالبد- معنا) خانه تاریخی بود؛ برای گونه مسکن غالب امروز (آپارتمان‌های میان مرتبه) ارائه گشت. آنچه در ارتباط ساختاری میان عناصر پیشنهادی حائز اهمیت است اطلاعات حاصل از مطالعات معنایی و کالبدی خانه‌های تاریخی می‌باشد؛ این اطلاعات شامل کیفیات

مطلوب حاصل شده در عرصه‌های مختلف سکونتی (میانه، خصوصی، عمومی و نیمه عمومی)، از خانه‌های تاریخی تا مسکن امروز؛ سپس ارائه مؤلفه‌های کالبدی تعریف شده با این عناصر می‌باشد. در واقع این الگوها، حاصلی از کنار هم قرارگیری کیفیاتی مطلوب از خانه‌های تاریخی و نیز تداوم آن‌ها در مسکن حاضر دانست که تعداد این کیفیات به عرصه

سپاسگزاری

از اساتید محترمم قدردانم که در مسیر کسب علم و فهم آن، همواره یاری‌رسان و رهنما بوده‌اند.

از تلاش‌های فصلنامه توسعه پایدار شهری برای همکاری در جهت چاپ و نشر مطالب و پژوهش‌های اینجانب کمال تشکر را دارم.

۶- منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی و قاسمی قاسموند، عزت‌الله. (۱۳۹۶). تحلیل و ارزیابی وضعیت کاربری اراضی شهری با تأکید بر پایداری کاربری مسکونی (مورد مطالعه: شهر سامان). *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۷(۲۶)، ۱۳۱-۱۴۶.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516735.1396.7.26.10.5>

- اخوت، هانیه. بمانیان، محمدرضا و انصاری، مجتبی. (۱۳۹۰). بازشناسی مفهوم معنوی سکونت در مسکن سنتی اقلیم کویری. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۲(۵)، ۹۵-۱۰۲.

<https://www.sid.ir/paper/۱۷۷۴۱۰/fa>

- امین‌پور، احمد. مدنی، رامین. حیاتی، حامد و دلداده، محمدعلی. (۱۳۹۴). بازشناسی مفاهیم مسکن و سکونت بر اساس آموزه‌های اسلامی. *مدیریت شهری*، ۱۴(۴۰)، ۴۷-۵۹.

<https://sid.ir/paper/۹۲۱۶۶/fa>

- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۱). *معماری و راز جاودانگی، راه بی‌زمان ساختن* (ترجمه مهرداد قیومی بید هندی). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول.
- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۸۴). *یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم* (ترجمه سعید زرین مهر). تهران: روزنه.
- براتی، ناصر. (۱۳۸۲). بازشناسی مفهوم خانه در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، *خیال*، ۸(۸)، ۲۵.

سکونتی الگوی کالبدی پیشنهادی بستگی داشته و تعدادی از این کیفیات را شامل خود می‌کند.

در این پژوهش، تحلیل پدیده و ارتباطات آن با سایر پدیده‌ها در ظرف خانه تاریخی به‌عنوان جلوه‌گاه این ارتباطات میان پدیده‌ای به روش‌های کالبدی و پدیدارشناسی مورد بررسی قرار گرفت؛ و در ادامه ارتباطات معنایی در میان آن‌ها معرفی می‌گردد. همین نزدیک شدن به معنا، پژوهش را در بستر مکانی و زمانی پشتیبانی می‌نماید و می‌تواند برای ارائه الگوهای معماری مناسب باشد. به‌عبارتی دیگر آنگاه که ارتباطات معنایی میان پدیده‌ها تشریح پیدا می‌کند تصویری از جهان پیرامون آشکار خواهد گشت؛ جهانی که شناخت بخشی از آن در حوزه سکونت صورت می‌پذیرد و در این تحقیق به آن پرداخته و تفسیری از جهان ارائه شد. از این رو سیری فهم آمیز از کشف ارتباطات میان پدیده‌ها تا فهم معانی و جهان و نهایتاً توجه به مرکزیت انسان به‌عنوان جلوه آشکاری هدف ارائه گردید؛ و می‌توان جنبه تعمیم‌پذیری این نتایج را در انتهای سیر مفهومی یا همان آشکار شدن انسان در مرکز و هدف نهایی دانست؛ درواقع ما به کالبد-معناهایی دست پیدا کرده‌ایم که چون به معناها توجه داشته‌اند می‌توانند برای ذات انسان که متوجه معنا است نزدیک باشند و قابلیت تعمیم داشته باشند. از این رو می‌توان برای تمامی خانه‌های تاریخی این سیر مفهومی را تشریح داد و آنچه را که در فهم ارتباطات میان پدیده‌ای و کالبدی آن‌ها به دست آورده می‌شود به‌صورت الگوهایی کالبدی، امروزی سازی کرد و پیشنهاد داد. لذا علاقه‌مندان به تحقیق در این حوزه می‌توانند با مراجعه مفهومی و کالبدی به معماری خانه‌های تاریخی به ارتباطات معنایی ارزشمندی دست یابند که قابلیت امروزی سازی شدن را نیز دارند و در نهایت به‌صورت الگوهایی کالبدی و امروزی ارائه گردند و پیش راه مسیر طراحی معماری امروز قرار گیرند.

<https://www.sid.ir/paper/449601/fa>

- معمار، ماز یار. (۱۳۸۵). *خانه ایرانی طراحی الگوی خانه در مناطق مرکزی ایران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی معماری). دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
- مدنی، رامین، و شقایق، مینو. (۱۳۹۲). *راهکارهای طراحی عرصه میانه با رویکرد جبران سازی مسکن حداقل در ایران*. آرمان‌شهر، ۶(۱۱)، ۱۶۵-۱۵۳.

https://www.armanshahrjournal.com/article_33472.html

- نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۹۶). *مفهوم سکونت، به‌سوی معماری تمثیلی* (ترجمه محمود یاراحمدی). تهران: انتشارات آگاه، چاپ سوم.
- کون، تامس. آیدی، دن. هایدگر، مارتین. مکزی، دونالد و هکینگ، یان. (۱۳۹۳). *فلسفه‌ی تکنولوژی* (ترجمه شاپور اعتماد). تهران: نشر مرکز.
- هاشمی آذروند، فرید. (۱۳۸۹). *در جستجوی الگوی خانه ایرانی - نمونه موردی تهران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی معماری). دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
- هاشمی، سید محمدعلی. (۱۳۷۵). *گاستون بشلار و معماری خانه‌ی خیال*. آبادی، ۶(۲۳)، ۱۰.

<https://noandishaan.com/۳۰۵۶۵>

- یزدان پناه، پونه. (۱۳۷۸). *طراحی مسکن نمونه در محله تل یزد* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی معماری). دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
- یکه، مریم. (۱۳۹۷). *طراحی مسکن براساس تداوم فرهنگ سکونت لارستان فارس* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی معماری). دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.

<https://www.sid.ir/paper/451257/fa>

- حائری، محمدرضا. (۱۳۷۵). *طراحی مسکن امروزی و اصول معماری خانه‌های سنتی*. آبادی، ۶(۲۳)، ۲۸-۱۹.

<https://sid.ir/paper/۴۵۵۳۱۱/fa>

- حبیبی، سید محسن. (۱۳۸۲). *چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله. هنرهای زیبا*، ۱۳(۳۲-۳۹).

<https://sid.ir/paper/۴۱۹۴۲۰/fa>

- حقیقی، فرزانه. (۱۳۸۷). *در جستجوی معنای خانه با رویکرد پدیدارشناسی در شهر کرمان* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی معماری)، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۹۲). *انسان‌شناسی مسکن* (ترجمه خسرو افضلیان). تهران: انتشارات کتابکده کسری، چاپ دوم.
- زومتور، پیتر. (۱۳۹۴). *تمسفر* (ترجمه علی اکبری). تهران: انتشارات پرهام نقش.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۸۴). *از خانه تا آپارتمان، معماری و فرهنگ*، ۷(۲۳).

<https://www.sid.ir/paper/461616/fa>

- طباطبایی، مریم. (۱۳۹۵). *طراحی خانه‌ی امروز در تداوم الگوهای بومی خانه‌ی دیروز در شهر زواره* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی معماری)، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران.
- کوپر مارکوس، کلر. (۱۳۸۲). *خانه: نماد خویشتن* (ترجمه احمدعلی قلی). فرهنگستان هنر، ۵(۸۴-۱۱۹).

<http://ensani.ir/fa/article/۲۲۶۲۴۰>

- گیفورد، رابرت. (۱۳۷۸). *روانشناسی محیط‌های مسکونی*. معماری و فرهنگ، ۱(۳ و ۲)، ۷۱.

نحوه ارجاع به مقاله:

بهره‌دار، امجد. مدنی، رامین و افشاری، محسن. (۱۴۰۲). ارائه الگوی کالبدی مسکن امروز با بهره‌گیری از کیفیات مطلوب خانه-های تاریخی (نمونه موردی: شهر کرمان). توسعه پایدار شهری، ۴(۱۱)، ۵۰-۳۳.



DOI: 10.22034/USD.2023.2000830.1039



DOR: 20.1001.1.27170128.1402.4.11.3.8

URL: https://usdjournals.daneshpajooan.ac.ir/article_706224.html

Copyrights:

©2023 by the authors. Published by the Urban Sustainable Development Journal. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)).



Received: 01/05/2023

Accepted: 11/07/2023

Presenting the Physical Pattern of Today's Housing by Taking Advantage of the Desirable Qualities of Historical Houses (Case Study: Kerman City)

Amjad Bahredar^{1*}, Ramin Madani², Mohsen Afshari³

Abstract: The expansion of studies in the new era has led to the formation of wide-ranging discussions on the foundations and theoretical principles of housing architecture. Such as psychological, cultural and phenomenological subjects. And it emphasizes the point that the house is more than a shelter and residence, it has a concept beyond the provision of physical and functional needs. A conceptual look at the house makes the current housing architecture aware of the qualities of the house. These qualities, in addition to meeting their functional needs, seek to solve the superior needs of the residents. With the beginning of the modern era, these qualities and concepts became less and less colorful in Iranian housing architecture. Also, the speed and rapid change of the era also allowed these qualities to occur in Iranian architectural buildings. In this research, the main goal is to achieve the physical-spatial patterns of today's housing by taking advantage of the desirable qualities of Kerman's historical houses. And the secondary goal is to achieve the process of how to extract and apply the spatial-physical patterns obtained. This research examines the historical houses of Kerman from a physical and phenomenological point of view and achieves the extraction of desirable qualities. This research is practical in terms of purpose. Data has been collected with a qualitative method and through observation, field presence in the historical and contemporary context, and library sources. The method of analysis is comparative and with logical reasoning. As a result, the desired qualities have been obtained. Such as openness, flexibility, pale color, silence, static, open, alive, hidden, null, contextual and integrated. These qualities are defined along with physical components of historical houses. Such as construction technique, materials and texture, color, proportions and scale, geometry, spatial organization and the way of interior arrangement of space, green space. In the end, these qualities along with physical components have been selected in a balanced combination of light, texture and sound, proportions, integration with the natural environment, sky and earth. Then they are presented in the form of six physical models of housing. Then, by taking advantage of the desirable qualities obtained from the semantic and physical studies of historical houses, they have been modernized.

Keywords: Physical Pattern, Housing, Desirable Qualities, Historical Houses of Kerman

^{1*}Master's student, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran; Corresponding Author, [Email: amjadbahredar74@gmail.com](mailto:amjadbahredar74@gmail.com)

² Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

³ Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.